



سورة التكاثر وهي ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ (١)

مشغول ساخته شما را و غافل گردانیده شما را از امر دین تفاخر کردن و مباحات نمودن بکثرت.

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (٢)

تا آنکه یاد میکنید مرده‌ها را و تکاثر باموات میکنید تعبیر کرده است خدای تعالی از ذکر موتی بزیارت مقابر و این تهکم و بویح باشد مرایشان را. روایت کرده‌اند که بنی عبد مناف و بنی سهم نفاخر مینمودند بکثرت، پس بنی عبدمناف بیشتر بودند پس بنی سهم گفتند که در جاهلیت مردم ما کشته شده‌اند پس ما احیا و اموات را می‌شماریم، چنین کردند، بنی سهم بیشتر بودند، پس خدای تعالی این آیه را فرستاد.

و بعضی گفته‌اند معنی اینست که مشغول ساخته شما را تکاثر باموال و اولاد تا آنکه مرید و آمید بمقابر در حالتی که ضایع کردید عمر خود را در طلب

دنیا از آن چیزی که اهم است مرشما را که سعی آخرت شماست. پس زیارت
قبور عبارت از موت خواهد بود.

كَلَّا

ردع و تنبیه است بر آنکه عاقل را سزاوار آنست که نباشد جمیع همت او و
معظم سعی او از برای دنیا، چه عاقبت این سعی و وبال و حسرت است.

سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

زود باشد که بدانید خطای رای خود را وقتی که معاینه شود شما را آنچه
در پیش شماست، و این انداز است تا بترسند پس آگاه شوند از غفلت خود.

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

تکریر از برای تاکید است، و ثم دلالت میکند بر آنکه انداز ثانی ابلغ
است از اول، یا آنکه علم اول نزد موتست یا در قبر، و ثانی نزد نشور، پس مکرر
ساخته خدای تعالی تنبیه را و فرموده:

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

اگر بدانید شما آنچه در پیش دارید دانستن امر یقینی، چون دانستن شما
اموری را که یقین دارید هر آینه مشغول میسازد شما را آن علم یقینی از غیر آنچه در
پیش دارید، یا آنکه می کنید کارهایی که وصف نتوان کرد، لکن شما گمراهان و
جاهلانید، پس جواب شرط از جهت تفخیم محذوف گشته و جایز نیست که قول
خدای تعالی:

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (٦)

جواب شرط باشد، چه محقق الوقوع است، بلکه جواب قسم محذوف است و تقدیرش چنین است که: واللّٰه لتروُنَّ الجحیم، و باین خدای تعالی تأکید وعیدنموده و توضیح نموده آن چیزی را که می ترسانید ایشان را از آن چیز بعد از آنکه مبهم بود آن تا دلالت کند بر تفخیم و تعظیم آن چیز. و بدان که آنچه خدای تعالی وعده نموده شک و ریب را در و مدخلی نیست.

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا

پس هر آینه بخواهید دید جهنّم را، و این تکریر است از جهت تأکید، یا آنکه اولی رؤیت از مکان بعید است و ثانیه رؤیت در حین ورود ایشان جهنّم را، یا آنکه مراد باوّل معرفت است و بشانیه ابصار.

عَيْنَ الْيَقِينِ (٧)

یعنی رؤیتی را که نفس یقین است. پس عین الیقین منصوب خواهد بود بمصدریت، و عین اینجا بمعنی نفس و ذات است چنانکه گویند: زیّدٌ نفسُه و عینه.

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (٨)

پس هر آینه پرسیده شوید آن روز بوقت محاسبه نعمتها که بدان مشغول شدید از عبادتها.

صاحب کشف فرموده^۱ که: «سؤال نعمتها از کسی خواهند کرد که او برگماشته همت خود را بر استیفاء لذات، و زندگانی در دنیا ننموده مگر آنکه طعامهای پاکیزه بخورد و لباسهای نیکو بپوشد و صرف کند اوقات خود را بلبه و

۱. کشف ج ۲ ص ۵۵۹.

لعب، و پروایی بعلم و عمل نداشته باشد، و نفس خود را متحمل مشقت علم و عمل نسازد، و اما کسی که تمتع یابد بنعمت خدای تعالی و ارزاق او، که خدای تعالی خلق نکرده این نعمت را مگر از برای بندگان خود، و تقوی جوید بر آن نعمت بر درست علم و قیام بعمل، و شکر نمایید، پس آن کس از آن سؤال بیرون است. و باین اشاره فرموده حضرت رسالت (ص) در آنچه از آن حضرت مرویست که میخوردند آن حضرت و اصحاب ایشان خرما، و بر بالای آن می آشامیدند، پس آن حضرت میفرمود الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و جعلنا مسلمین».

و در کواشی آورده که نعیم مسؤل عنه صحت و امن است یا صحت و فراغ.

حضرت رسالت (ص) فرموده اند که دو نعمت است که زیان دارند درین دو بسیاری از مردم: صحت و فراغ. یا آنکه نعیم آب سرد است در تابستان و آب گرم در زمستان.

و از حضرت رسالت (ص) منقول است که اول چیزی که سؤال خواهد کرد خدای تعالی از بنده آنست که آیا صحیح نگردانیدیم جسم ترا و سیراب نگردانیدیم ترا از آب سرد؟ یا آنکه نعیم نان گندم است و آب گوارنده، یا آنکه هر لذتی از لذات است.

از حضرت رسالت (ص) منقول است که هر که سوره الهیکم التکاثر بخواند حساب نمیکند خدای تعالی او را بنعمتهایی که باو انعام کرده در دار دنیا، و اعطا میکند باو اجر آنکه خوانده باشد هزار آیه قرآن را.